رسالت
سال سی‌ونهم ■ روزنامه صبح ایران
شماره ۱۰۹۷۸ ■

## به‌مناسبت روز جهانی عصای سفید مطرح شد

# نابینایان را ببینید!

**گروه اجتماعی**

هرسال در روز جهانی عصای سفید مشکلات جامعه نابینایان کشور مطرح می‌شود و مسئولان از اهمال نهادهای موظف در تأمین اشتغال و آتیه این افراد ابراز تأسف می‌کنند اما تا سال بعد و برگزاری مراسمی دیگر، هیچ اتفاق امیدوارکننده‌ای درباره رفع مشکلات آن‌ها رخ نمی‌دهد و همچنان نهادها و ارگان‌های دولتی از التزام به قانون حمایت از حقوق معلولان و اختصاص سهمیه ۳ درصدی اشتغال سرپیچی می‌کنند، بنابراین بیکاری و حذف از گردونه اجتماع، جزء مهم‌ترین دغدغه‌های نابینایان به شمار می‌رود.

«سهیل معینی»، مدیرعامل شبکه تشکل‌های نابینایان و کم‌بینایان کشور و مدیرعامل انجمن باور، اشتغال را پس از مشکل مسکن، بزرگ‌ترین چالش افراد نابینای تحصیلکرده دانسته و می‌گوید: «با آنکه نابینایان به طور چشمگیری تحصیلات عالی کسب کرده‌اند ولی متأسفانه شغلی متناسب با وضعیت آنان در اختیارشان قرار نمی‌گیرد به طوری که به‌طور خلاصه می‌توان گفت وضعیت اشتغال افراد نابینا با «رسالت» عنوان می‌کند، «این موارد استقلال نابینایان را با تهدید روبه‌رو کرده است. در حالی که طبق هنجارهای جهانی، دولت می‌بایست راه را برای حضور معلولان در جامعه هموار و سپس امنیت ایشان را توسط قوانین تأمین کند. اما تنها وضع قانون، کلید حل مشکل انزوای معلولان نیست. در حالی که زیرساخت‌ها مناسب سازی نشده باشد و جامعه آموزش فراگیر در این زمینه ندیده باشد، اجرای درست قانون حمایت از افراد دارای معلولیت ممکن نیست. به لحاظ تعصب ذهنی در جوامع، نابینایی از دیدگاه عموم جزء بدترین معلولیت‌ها تلقی می‌شود و مردم حتی معلولیت حرکتی را به اندازه نابینایی سخت نمی‌دانند. طبیعتا این پیش داوری موجب تشدید مشکلات معیشتی و اقتصادی نابینایان شده و مسیر استقلال آنان را مسدود می‌کند. کارفرمایان نیز هنگام جذب نیرو باورچندانی به قابلیت‌های نابینایان ندارند. فقدان سیستم حمایت شغلی بزرگترین مشکلی است که اشتغال همه معلولان و به‌طور اخص نابینایان را تهدید می‌کند.»

عدم سامان‌دهی تأمین منابع آموزشی و اطلاعاتی برای نابینایان از ضعف‌های دیگری است که مدیرعامل انجمن باور به آن انتقاد دارد؛ «باوجوداینکه نابینایان، تحصیلکرده‌ترین گروه درمیان معلولان هستند، اما منابع آموزشی آن‌ها سروسامانی ندارد و مراکز تولیدکننده این منابع در سازمان بهزیستی، با اعمال سیاست‌های غلط رو به نابودی و تعطیلی هستند. از سوی دیگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت علوم چه در بعد فرهنگی و چه در بعد آموزش عالی که مسئول تأمین این منابع اطلاعاتی هستند، به هیچ‌وجه امکانات و حمایت‌های لازم را از تولید این منابع برای معلولان اعمال نمی‌کنند.»

معینی در این گفت‌وگو، موانع متعددی که افراد نابینا با آن مواجه هستند را برشمرده است. مشروح این مصاحبه را در ادامه می‌خوانید.

**کم‌بینایان چه موضوعی است؟**

ما هرسال در روز جهانی عصای سفید با همین سؤال مواجه می‌شویم و نمی‌دانیم چه پاسخی بدهیم، به این دلیل که هیچ‌کدام از مشکلات حل نشده و همچنان لاینحل باقی مانده است اما مسئله‌ای که وجود دارد، این است که در چند سال اخیر، نه‌فقط نابینایان بلکه همه افراد دارای معلولیت از عدم مدیریت سازمان بهزیستی، گلایه دارند و این سازمان به جز پرداخت مستمری اقدام دیگری انجام نداده و در برخی‌های تخصصی اتفاق خارق‌العاده‌ای به منظور بهبود خدمات توانبخشی و ایجاد مراکز جدید رخ نداده است. این سازمان، هنوز نتوانسته رضایت نسبی را در هیچ یک از گروه‌های مورد حمایت خویش ایجاد کند. خرد جمعی بر این باور است که صرف نظر از انتصابات بی‌ضابطه و مشکلات مالی، آنچه منجر به عدم توانایی بهزیستی در راضی نگه داشتن جامعه هدف می‌شود، دایره گسترده مسئولیت‌هایی است که بر عهده این سازمان گذاشته شده است. چندین گروه به طور هم‌زمان زیر چتر حمایتی این سازمان قرار می‌گیرند. بهزیستی به واقع نه از لحاظ منابع مالی و نه منابع انسانی، توانایی خدمت‌رسانی به تمامی این گروه‌ها را ندارد. همین امر نیز منجر به اتخاذ رویکردهای صرفا غیرتخصصی و غیرعلمی در این سازمان می‌شود. بر همین اساس، شایسته است چارت سازمانی در بهزیستی به گونه‌ای اصلاح شود که اجحافی در حق هیچ یک از گروه‌های مورد حمایت این سازمان صورت نگیرد. واقعیت این است که روزمرگی بر این سازمان حاکم شده و در بخش خدمات تخصصی به یک تحول جدی نیاز است، اما جدا از مجموعه مشکلاتی که در تمام این سال‌ها وجود داشته، آنچه بیش از همه جامعه نابینایان را آزار داده، بحث استخدام‌هاست. براساس قانون، ۳ درصد از سهمیه استخدام‌های دولتی به افراد دارای معلولیت اختصاص دارد و از قضا با توجه به اینکه نابینایان تحصیلکرده‌ترین گروه جامعه دارای معلولیت کشور هستند و بالاترین آمار دانشجویان و دانش‌آموختگان را به خود اختصاص داده‌اند، با بیشترین مانع در استخدام‌های دولتی روبه‌رو هستند. آموزش و پرورش که بیشترین سهمیه استخدامی را در بخش دولتی به خود اختصاص داده، برای به کارگیری نابینایان بیشترین مقاومت و اعمال سلیقه را به خرج می‌دهد. برخی از استان‌ها فرد نابینا را با یک شرایطی می‌پذیرند اما در استان دیگری همان فرد را با شرایط مشابه نمی‌پذیرند. افراد نابینا در مسیر کمیسیون‌های پزشکی و بررسی مدارج تحصیلی شان با برخورد‌های بسیار نامناسبی روبه‌رو می‌شوند و در این سال‌ها چالش جدی ما این بوده که این مشکلات چگونه قابل حل است. سازمان بهزیستی هیچ‌گاه در یک سطح معقول و کارشناسی شده‌ای این مشکل را به‌طور جدی حل نکرده است. در نتیجه افراد نابینا گلایه دارند از اینکه علیرغم تحصیلات دانشگاهی و قبولی در آزمون علمی، از جذب و به کارگیری آنان امتناع می‌شود.

**همان‌طور که اشاره کردید نابینایان بالاترین آمار دانشجویان و دانش‌آموختگان را به خود اختصاص داده‌اند، اما چرا برای اشتغال در بخش‌های مختلف از جمله در آموزش و پرورش با بیشترین موانع فرهنگی مواجه هستند؟**

بخشی از این موضوع به مشکل عمومی و فرهنگی جامعه بازمی‌گردد که بیشتر در آموزش و پرورش نمود دارد و اگرچه وضعیت در مقایسه با سال‌های پیش بهتر شده، اما هنوز رویکرد فرهنگی جامعه نسبت به معلولیت خیلی با آن حد مطلوبی که انتظار داریم فاصله دارد. همچنان افراد جامعه، معلولیت را به عنوان یک تفاوت درک نمی‌کنند و برای این افراد حقوق برابر قائل نیستند، در حالی که محدودیت‌های جسمی به منزله عدم توانمندی نیست ممکن است فردی با جسم سالم توانایی‌هایش به اندازه یک فرد معلول نباشد. از این منظر باید روی فرهنگ عمومی جامعه کار کرد. در مورد عدم به‌کارگیری نابینایان در بخش‌های مختلف به ویژه در آموزش و پرورش این دیدِ عمومی وجود دارد، که فرد نابینا نمی‌تواند کلاس را اداره و مدیریت کند. این مسئله نیستند. بهزیستی قانونی دارد که در جلسه مصاحبه برای اینکه مصاحبه گرها معمولا اطلاعاتی درباره معلولیت‌های مختلف ندارند، حتما باید کارشناسی از بهزیستی حضور داشته باشد و رأی نهایی را صادر کند. اما در اغلب موارد کارشناس بهزیستی حضور ندارد. خیلی از نابینایانی که در این سال‌ها از آزمون‌های علمی بیرون آمدند، در مصاحبه هارد شده‌اند و عملا جذب دستگاه‌های دولتی نشدند. مابه‌شدت به دنبال این هستیم که تبعیض‌های پنهان و آشکار را برداریم.

از نظر ما راهکار این است که دو کمیسیون در سازمان اداری و استخدامی تشکیل بشود، یک کمیسیون که ضوابط جذب معلولیت‌های مختلف را برای هر پستی مشخص کند و کارشناسان توانبخشی حرف آخر را در این کمیسیون بزنند. دوم کمیسیونی که ضوابط را تدوین و ابلاغ کند، بنابراین تطبیق مصداقی افراد دارای معلولیت مهم است. آیین‌نامه جذب سهمیه ۳ درصدهم که تا کنون وجود نداشته باید تدوین شود، تا از مباحث سلیقه‌ای و اجحاف‌ها جلوگیری کرد.

**آیا نابینایان در مقایسه با سایر افراد دارای معلولیت از نرخ بیکاری بالاتری برخوردارند؟ برآوردی صورت گرفته است؟**

ما در این زمینه برآورد علمی و کارشناسی نداریم. امامی دانیم نابینایان تحصیلکرده‌ترین گروه‌ها دارای معلولیت در ایران‌اند که به‌تناسب تحصیلات، وضعیت شغلی خوبی ندارند و با آنکه نابینایان به‌طور چشمگیری تحصیلات عالی کسب کرده‌اند ولی متأسفانه شغلی متناسب با وضعیت آنان در اختیارشان قرار نمی‌گیرد به طوری که بعضی از این افراد با مدارج عالی مجبور به کار در شغل‌های غیرمرتبط شده‌اند. اگرچه میزان اشتغال افراد ناشنوا هم بسیار پایین است، اما اکثریت افراد ناشنوا به دانشگاه راه پیدا نمی‌کنند و تحصیلات عالی ندارند. درنتیجه در کارهایی با مهارت‌های پایین، مهارت‌های دستی و کارهای خدماتی حضور دارند.

مشکل اساسی دیگر که در اشتغال افراد نابینا با آن مواجهیم این است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای توانمندسازی آنان و ورود به بازار کار غیر دانشگاهی بسیار ضعیف است و آموزش‌های کمی برای نابینایان به‌منظور جذب در مشاغل مهارتی وجود دارد. باوجوده ماده ۱۴ قانون حمایت از حقوق معلولان که تأکید می‌کند سازمان فنی و حرفه‌ای باید خدمات حرفه‌ای به افراد معلول ارائه دهد، این سازمان کمترین ورود را به این عرصه داشته و بسیاری از افراد معلول از جمله نابینایان هنوز امکان این را ندارند که اگر نخواهند به دانشگاه بروند و بخواهند وارد بازار کار شوند، بتوانند از آموزش‌های حرفه‌ای متناسب استفاده کنند. بحث دیگری که در مورد تمام افراد دارای معلولیت وجود دارد این است که سیاست حمایتی ما برای اشتغال افراد دارای معلولیت نابسامان است و باید برنامه جامع حمایت شغلی تدوین و در قالب آن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و هدایت شغلی ارائه و از بخش خصوصی با اعطای مشوق‌های عملی برای جذب نابینایان حمایت کرد. لذا از یک سو فرد دارای معلولیت را توانمند و از سوی دیگر بخش خصوصی را به جذب این افراد تشویق کنیم. باید نیروی دارای معلولیت را آموزش دهیم و توانمند کنیم که وقتی بخش خصوصی نیاز دارد در دسترسش باشد و با توجه به تشویق‌هایی که در زمینه‌های مختلف پیش‌بینی شده این انگیزه را پیدا کند که نیروی کار دارای معلولیت را جذب کند. حال اینکه سال‌هاست عمده اقدامات صورت گرفته برای اشتغال زایی معلولین منحصر به پرداخت یک وام خوداشتغالی و در نهایت پرداخت حق بیمه کارفرمایی است، از این‌رو تدوین سیاست‌های حمایتی لازم است تا اشتغال پایدار ایجاد و این افراد از چرخه‌های حمایتی خارج شوند.

**وضعیت در کشورهای توسعه‌یافته به چه صورت است، آن‌ها مشکل بیکاری ندارند؟**

در این کشورها نیز نرخ بیکاری بالاست اما حمایت‌های گسترده‌ای از نابینایان فاقد شغل صورت می‌گیرد و معیشت آن‌ها تأمین است. حتی در برخی از کشورهای اروپای غربی، حمایت اجتماعی از افراد نابینا به حدی بالاست که انگیزه یافتن شغل در آن‌ها کاهش می‌یابد و این را شخصا سیاست و راهکار درستی نمی‌دانم، چون به افراد دارای معلولیت آن چنان کمک می‌شود که برای یافتن شغل انگیزه کمی دارند و می‌دانند تحت هر شرایطی اجاره خانه آنان پرداخت شده و مشکل معیشتی نخواهند داشت.

**به اعتقاد شما نابینایان در کشور ما امکان استقلال دارند، اگر بخواهیم مقایسه‌ای با کشورهای پیشرفته جهان داشته باشیم، وضعیت به چه صورت است؟ اگر قرار است فردی مستقل زندگی کند، این مستقل زندگی کردن وابسته به چیست؟**

بخشی از این استقلال، منوط به بهبود وضعیت اقتصادی است و الزاما ارتباطی هم به نابینایان ندارد و هر فردی اگر بخواهد مستقل زندگی کند، به امکان اقتصادی برای تشکیل یک زندگی مستقل نیاز دارد. طبیعتا وقتی بسیاری از این افراد فاقد شغل و وابسته به مستمری‌های بسیار محدود دولت هستند، به لحاظ اقتصادی امکان استقلال نخواهند داشت. حتی در مورد افرادی که تمکن اقتصادی دارند، بحث بر سر این است که این‌ها بتوانند زندگی شان را مدیریت کنند که این موضوع منوط به ارائه خدمات توانبخشی و آموزش است. در همه جای دنیا دولت برای آموزش نابینایان بودجه می‌گذارد و سازمان‌های حمایتی در این زمینه اقدام می‌کنند. اما در کشور ما به این موارد توجهی نمی‌شود، درنتیجه وقتی یک فرد نابینا بخواهد زندگی مستقل داشته باشد، جدا از آن امکان اقتصادی که در استقلال نابینایان بسیار مهم است، ضعف شدید سازمان بهزیستی در حوزه توانبخشی سبب شده که زندگی عادی برای یک نابینا عملا غیرممکن یاد شوار شود؛ به‌عنوان مثال یک خانم نابینا که در شهرستان زندگی می‌کند، اگر بخواهد پکیج‌های آموزش خدمات توانبخشی خانه‌داری مانند آشپزی، کودک‌یاری و مهارت‌هایی از این دست را که برای ازدواج و ادامه حیات او ضروری است دریافت کند، چنین امکانی ندارد، زیرا سازمان در این زمینه خدماتی ارائه نمی‌دهد. به لحاظ تعصب ذهنی نیز، نابینایی از دیدگاه عموم جزء بدترین معلولیت‌ها تلقی می‌شود و مردم حتی معلولیت حرکتی را به اندازه نابینایی سخت نمی‌دانند و کارفرمایان نیز هنگام جذب نیرو باور چندانی به قابلیت‌های نابینایان ندارند. طبیعتا این پیش‌داوری موجب تشدید مشکلات معیشتی و اقتصادی نابینایان شده و مسیر استقلال آنان را مسدود می‌کند. ایمنی تردد هم از دیگر مواردی است که مانع استقلال افراد نابینا می‌شود؛ گرچه نزدیک به دو دهه است که شاهد انجام مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری محیطی در کشور هستیم اما هم‌چنان در بخش عمده‌ای از محیط‌های شهری، افراد نابینا و کم‌بینا نمی‌توانند با امنیت و ایمنی تردد کنند. پیاده‌روها و تقاطع‌ها یمان امن نیستند و سیستم حمل‌ونقل عمومی امنی نداریم، به همین علت رسیدن نابینایان به استقلال، دشوار است. در این زمینه موانع فرهنگی هم نقش اثرگذاری دارد. در شهرستان‌ها، خانم‌های نابینا نمی‌توانند به استقلال برسند و فشارهای فرهنگی به شکل‌های مختلف مانع از این کار می‌شود، حتی خانواده‌ها نیز اجازه نمی‌دهند دختر شان با عصا از خانه خارج شود و خودشان مانع رشد فرزندشان هستند، چون باورهای فرهنگی غلطی دارند. حتی اگر خانواده را هم کنار بگذاریم، فرد نابینا با چه برخوردی از سوی جامعه مواجه خواهد شد؟ آیا افراد جامعه استقلال این فرد را می‌پذیرند؟ این هم یک مشکل فرهنگی است که در کشور وجود دارد، و حل آن مستلزم آموزش عمومی است.

**چقدر عدم اجرای قانون عصای سفید در این عدم استقلال نقش دارد؟**

این قانون سعی داشت تا جامعه معلولان را مجاب کند که خیابان‌ها کاملا پذیرای شما هستند؛ تنها کافی است بخواهید. بر این اساس تمامی رانندگان موظف هستند در صورت نزدیک شدن به این افراد رعایت کنند. اما در آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی، به این موضوع توجهی نشده است، بنابراین آموزش عمومی ما ضعیف است. ضمن آنکه در بخش مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری محیطی هم با مشکل مواجهیم. اگرچه در مقایسه با گذشته شرایط بهتر شده و نمی‌توان این موضوع را انکار کرد، ولی واقعیت این است که این بهبودی، بسیار کند است و بخشی از موضوع به ضعف آموزش مقررات و عدم رعایت آن بازمی‌گردد. در حال حاضر چند چراغ گویا در سطح کشور داریم که افراد نابینا بتوانند از این طریق به شکل ایمن ارتقاطع‌ها عبور کنند؟ پاسخ مشخص است، هیچ چراغ گویایی وجود ندارد.

**مسئله بعدی دسترسی به منابع آموزشی است که طبیعتا یک فرد نابینا باید به اندازه یک فرد بینا به منابع آموزشی و کتاب‌های مختلف دسترسی داشته باشد، وضعیت در این حوزه به چه صورت است؟**

بازهم وضعیت اصلا خوب نیست. درگذشته مراکزی وابسته به بهزیستی، کتاب و نشریات تولید می‌کردند. بسیاری از این‌ها با سیاست غلط سازمان بهزیستی تعطیل شدند. این سازمان معتقد است، تولید کتاب کار بهزیستی نیست، اما در شرایطی که وزارت ارشاد و نهادهای تولیدکننده منابع اطلاعاتی کارشان را به‌درستی انجام نمی‌دهند، سازمان بهزیستی در این زمینه مسئولیت دارد، ضمن آنکه به‌عنوان سازمان متولی باید از نهادهای تولیدکننده منابع اطلاعاتی، این موضوع را مطالبه و پیگیری کند.

اکنون تعداد مراکز دولتی تولید کتاب و نشریات به علت کمبود بودجه و تقلیل ساختار انسانی و منابع فیزیکی کاهش یافته، و بزرگ‌ترین مشکل این است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شکل اساسی وارد تولید منابع اطلاعاتی برای افراد نابینا نشده است. نهاد کتابخانه‌های عمومی هم که وابسته به این وزارتخانه است، بیشترین وظیفه خودش را توزیع منابع می‌داند نه تولید منابع. درصورتی که بزرگ‌ترین مشکل ما تولید منابع است و باید کتاب‌های صوتی و بریل تولید شود. برای تحقق این موضوع باید از بودجه ملی، سهم مشخصی را برای افراد نابینا در نظر بگیرند. این در حالی است که تنها روزنامه بریل ایران عملا تعطیل شده و فقط یک سایت از آن باقی مانده است. در کشورهای دیگر صدها نشریه تخصصی به صورت بریل و صوتی و درشت نما برای افراد کم‌بینا و نابینا تولید می‌شود. در بحث منابع دانشگاهی نیز آنچنان وضعیت خوبی نداریم، یعنی مراکزی هستند که برخی از کتاب‌های دانشجویان نابینا را تولید می‌کنند ولی این امر سازمان‌یافته، مستمر و مبتنی بر حمایت رسمی دولت نیست. مشکل دیگر این است که ناشرین از اعطای فایل الکترونیکی آثار خود و یا تبدیل آن‌ها به کتاب صوتی خودداری می‌کنند.

**چرا؟**

به این دلیل که کتاب‌های صوتی در کشور رایج شده و مورد اقبال جامعه قرار گرفته است. از طرفی کتاب‌های صوتی از حالت کاست خارج و تبدیل به فایل شده، درنتیجه کپی کردن‌های غیرمجاز راحت‌تر شده و ناشرین از این بابت نگران هستند. بر این اساس باید در آیین‌نامه رعایت و حمایت از حقوق مالکیت معنوی منابع دیجیتالی، حقوق افراد نابینا مورد توجه قرار بگیرد و آنان به منابع اطلاعاتی دسترسی داشته باشند.

**دسترسی نابینایان به منابع اطلاعاتی در سایر کشورهای پیشرفته به چه صورت است؟**

کشورهای توسعه‌یافته از نظر منابع اطلاعاتی، دسترسی بسیار وسیعی به فایل‌های الکترونیکی و نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای دارند، و در این کشورها حق کپی‌رایت رعایت می‌شود، اما کشور ما به دلیل عدم رعایت حق کپی‌رایت از بازار جهانی دور است. درباره دسترسی‌های نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری نیز خیلی امکانات در اختیار نابینایان هست که به راحتی می‌توانند با نرم‌افزارهای پیشرفته‌ای که در اختیار دارند به کتاب‌ها دسترسی داشته باشند. حتی می‌توانند فایل کتاب‌ها را بگیرند و از طریق نمایشگرهای بریل استفاده کنند. اگرچه این نمایشگرها گران است اما دولت‌ها کمک می‌کنند که نابینایان این دستگاه‌ها را تهیه کنند، ولی در کشور ما چنین کمک‌هایی صورت نمی‌گیرد. هنوز در کشور ما آموزش پایه‌ای تحرک و جهت‌یابی برای افراد نابینا وجود ندارد. تحرک و جهت‌یابی، یک مهارت تخصصی و مهم‌ترین مهارت توانبخشی برای فرد نابینا در همه جای دنیاست. در خارج از کشور برای کسب این مهارت، مجموعه‌ای از آموزش‌های حرفه‌ای تعریف و اجرا می‌شود و فرد یاد می‌گیرد که چگونه تحرک را با استفاده از عصا و ابزار و وسایل جهت‌یابی مانند وسایل الکترونیکی انجام دهد. تازه پکیج‌های آموزشی تحرک بیرون از منزل و درون ساختمان هم متفاوت است. برای مثال هر نابینا باید در قالب یک پکیج ۱۸۰ ساعت آموزش تخصصی آن هم توسط متخصص جهت‌یابی حرفه‌ای دریافت کند. در بسیاری از کشورها، برای ارائه این خدمات، مراکز تخصصی وجود دارد و دولت از آن‌ها حمایت می‌کند و بلافاصله پس از تشخیص مددکار، هزینه و بیمه ۱۸۰ ساعت آموزش فرد نابینا از طرف دولت به آموزشگر پرداخت می‌شود. در ایران حتی آموزشگر تحرک و جهت‌یابی که متخصص این کار باشد وجود ندارد، و یا در کشور هنوز هیچ حمایتی از تولید یک عصای استاندارد همه‌جانبه که مهم‌ترین وسیله توانبخشی نابینایان است وجود ندارد، بنابراین چه انتظاری داریم؟

---

### آگهی دعوت افراز

**بدینوسیله اعلام می دارد آقای محمد بارکزهی فرزند بهمن احدی از وراث مرحوم محمد عمر بارکزهی از مالکین مشاعی پلاک ۴۰۶- اصلی واقع در قطعه یک ایرانشهر از بخش ۵ بلوچستان شهرستان ایرانشهر طبق درخواست شماره ۱۰۳/۱۰۸۳۹ مورخه ۱۴۰۳/۷/۱۸ تقاضای افراز سهمی خود را از پلاک مرقوم باستناد قانون افراز و فروش املاک مصوب سال ۱۳۵۷ را از این اداره نموده و در ذیل تقاضای افراز خویش اعلام داشته که به دیگر مالکین مشاعی دسترسی ندارد و نشانی آنها مشخص نمی باشد لذا مراتب طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء آگهی می گردد و از سایر مالکین مشاع و کسانی که حق و حقوقی در این ملک دارند یا تمایل به افراز دارند دعوت به عمل می آید تا در روز شنبه ساعت ۷/۳۰ مورخ ۱۴۰۳/۷/۲۸ آن روز در این اداره و یا در محل ملک مزبور حضور بهم رسانند و با حضور و نظارت آنها عمل افراز برابر مقررات صورت پذیرد یادآور می گردد عدم حضور مالکین مشاع مانع از انجام عملیات افراز نخواهد شد.**

**تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۷/۲۴ م الف ۱۴۰۳/۲۵۴**

**اردشیر محمودی**

**رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر**

==========

### اخطاریه

**نظر به اینکه به موجب دستور شماره ۱۴۰۳۰۹۹۰۰۰۷۸۲۲۳۷۴ مورخه ۱۴۰۳/۲/۳۰ ۱۴۰۳ اجرا احکام شعبه سوم دادگاه حقوقی کاشان نامبردگان ذیل محکوم به انتقال سهم الارث خود از پلاک ۶۸۴ فرعی از ۳۴ اصلی بخش ۲ کاشان به نفع بانوان معصومه و زهرا و صلاوت بیدگلی فینی می باشند و با عنایت بر اینکه طبق دستور مذکور مشاراليهم مجهول المکان می باشند.**

**جناب آقای محمد سلیمانیه فینی فرزند مرحوم عباس آقا**

**سرکار خانم روشنک سلیمانیه فینی فرزند مرحوم عباس آقا**

**سرکار خانم مهدیه سلیمانیه فینی فرزند مرحوم عزیزاله**

**سرکار خانم فریده سلیمانیه فینی فرزند مرحوم عزیزاله**

**سرکار خانم سرور سلیمانیه فینی فرزند مرحوم عزیزاله**

**سرکار خانم زهرا جلال زاده فرزند سید مرتضی**

**لذا به بدینوسیله به شما اخطار می گردد ظرف مدت یک هفته پس از رویت این اخطار با ارائه مدارک مالکیت و هویت خود جهت انجام اوامر دادگاه مرقوم اقدام نمایید بدیهی است استنکاف شما مانع از انجام عملیات اجرایی نخواهد بود. نشانی دفترخانه کاشان بلوار شهید مطهری مقابل بریدگی - دفترخانه ۱۷ کاشان-۰۳۱۵۵۵۸۵۰۰۱-است.**

**سردفتر اسناد رسمی شماره ۱۷ کاشان - محمدرضا عرب بیک**

==========

### آگهی ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی ثبت اسناد و املاک شهرستان دزفول

**براساس ماده ۳ قانون مرقوم هیات رسیدگی به تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در ثبت شهرستان دزفول تقاضای افراد مشروحه ذیل مربوط به بخش دو دزفول را رسیدگی نموده و مالکیت مفروزه متقاضیان را که منجر به صدور رای گردیده است را به شرح ذیل آگهی می نماید.**

**املاک واقع در بخش دو دزفول**

**پلاک ۳ و ۱۲۰۸/۱- حکیمه نجدی شترکچی فرزند حسن نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۴۲/۷۵ مترمربع واقع در دزفول خیابان طالقانی نبش کوچه شهید جلودار (نسیم دشت) مع الواسطه از حسین پورطاهرزرعی مالک رسمی**

**لذا به موجب ماده ۱۳- آیین نامه اجرایی قانون مزبور مراتب جهت اطلاع عموم در دو نوبت آگهی می گردد تا چنانچه شخص یا اشخاصی نسبت به آرای صادره مفروزه متقاضیان فوق اعتراضی داشته باشند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ اولین انتشار آگهی اعتراض خود را به این اداره تسلیم داشته و رسید دریافت دارند و ظرف مدت یکماه پس از تاریخ تنظیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع صالحه قضایی محل نمایند و در غیر این صورت اقدامات بعدی جهت صدور سند مالکیت متقاضیان فوق انجام خواهد شد.**

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۸/۱۰**

**بهادری-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک دزفول**

==========

### اظهارنامه

**مشخصات اظهارکننده**

**علی امیری فر فرزند محمدحسین شغل کارگر به نشانی استان مازندران-شهرستان چالوس- شهر مرزن آباد- مرزن آباد خیابان اسلامی دوم منزل پدری**

**مشخصات مخاطب**

**سینا رحمتی فرزند علیرضا شغل آزاد به نشانی استان مازندران-شهرستان چالوس-چالوس- دهگیری-کوچه بابا محمودی-منزل لاشکی**

**موضوع اظهارنامه**

**اظهار رسمی مبنی بر سایر موضوعات اظهارنامه (به شرح متن)**

**مخاطب محترم**

**به تجویز ماده ۱۵۶ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مطالب ذیل رسما و قانونا به شما ابلاغ می گردد.**

**به استحضار می رساند اینجانب علی امیری همان طور مستحضرید**

**جنابعالی سینا رحمتی به عنوان بازرس تعاونی عدم اجرای ماده ۱۲ اساسنامه اتوکندوان که توسط هیات مدیره اجرا نمی گردد از شما جنابعالی درخواست می شود به عنوان بازرس اتوکندوان بیابانی لازم کار اجرا شود به شما اخطار داده می شود ظرف ۵ روز در کارهای هیات مدیره اتوکندوان را بررسی کنید وگرنه تمامی حق و حقوق خود را مراجعه قضایی اقدام خواهم کرد.**

**علی امیری فر**

==========

### آگهی فقدان سند مالکیت

**نظر به اینکه آقای سید اسماعیل حسنی برابروکالتنامه شماره ۱۹۰۰۹-۱۳۸۷/۱۱/۱۲ دفترخانه ۱۰۵ آمل از طرف آقای سید احمد ساداتی با ارائه دو برگ استشهادیه شماره ۵۶۴۳۲-۱۴۰۳/۷/۱۶ انتظامی دفترخانه ۴۹ آمل طی درخواستی به شماره ۱۴۰۳/۳۶۳۲۴ مورخ ۱۴۰۳/۷/۱۶ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۸۸/۳۰ مترمربع به شماره پلاک ثبتی ۵۰۵ فرعی از ۱- اصلی واقع در بخش ۰۳ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک آمل استان مازندران موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۳۰۴۲۰۲ سری - سال - با شماره دفتر الکترونیکی- که در صفحه ۲۹۷ دفتر املاک جلد ۱۱ ذیل شماره ۱۹۵۱ بنام آقای سید احمد ساداتی ثبت گردیده سپس به موجب سند انتقال اجرایی شماره ۱۸۹۴۷-۹۹/۸/۲۰ دفترخانه ۲۶۰ آمل مقدار دو دانگ مشاع از ششدانگ به آقای سیروس حسن پور منتقل گردیده و باقیمانده آن به مقدار ۴ دانگ مشاع از ششدانگ در سهم آقای سید احمد ساداتی قرارگرفته و در اثر جابجایی مفقود شده را نموده است. فلذا در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مبادرت به نشر این آگهی در یک نوبت می گردد چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشند ظرف مدت ده روز پس از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را به همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام نمایند چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود.**

**تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۷/۲۴**

**حسن صالحی**

**رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل**

==========

### آگهی مزایده اموال غیرمنقول ۱۴۰۳۰۰۷۴۶

**سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه تجاری نوع ملک طلق با کاربری تجاری به پلاک ثبتی ۷ فرعی از ۲۱۲۴ اصلی بخش ۰۱ به مساحت ۲۳/۱۵ مترمربع به نشانی واقع در آمل خیابان امام رضا(ع) رضوان ۳**

**مالکیت سیدبهرام نورمحمدی فرزند میربزرگ به ش.ش ۱۴۴۴۰ متولد ۱۳۶۷/۳/۱۸ صادره از آمل دارای ش.م ۲۱۴۳۱۴۶۲۷۲ با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ به عنوان مالک سه دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۷۹۹۴ تاریخ ۱۳۸۷/۲/۳۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۴۲ شهرآمل استان مازندران موضوع سند مالکیت تعویضی به شماره چاپی ۲۴۹۲۲۴ سری ب سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۱۰۰۰۵۰۰۵۸۴۷ ثبت گردیده است.**

**حدود اربعه شمالا: شمالا به طول ۳/۳۰ متر دیواریست به پارکینگ یک شرقا به طول ۶/۸۵ متر دیوار اشتراکی با واحد تجاری ۵ جنوبا به طول ۳/۳۵ متر درب و دهنه مغازه است به خیابان غربا به طول ۷/۲۰ متر دیواریست به حیاط**

**پلاک مذکور یکباب مکان تجاری واقع در طبقه همکف مجتمع تجاری مسکونی بانضمام بالکن در ضلع جنوبی غربی مجتمع مذکور بوده است که در زمان معاینه با هدایت و تعرفه وکیل متعهد له آقای فیروزی ایرایی درب برقی شب بند پایین بوده است مکان تجاری در طبقه همکف به مساحت ۲۳/۱۵ مترمربع و بالکن به مساحت ۴۵/۸ مترمربع حدود اربعه اعیانی مورد نظر با طبیعت تطبیق داشت نورگیر طبقه پنجره از جنس آلومینیوم و نرده از جنس فلزی فرفوژه بوده است. سازه ساختمان از بتن مسلح اسکلت بتنی دیوار از آجر سفال می باشد مجتمع به صورت ۴ طبقه روی پیلوت بوده و دارای زیرزمین بوده است. نمای بیرونی از سنگ و قدمت آن حدود ۲۱ سال می باشد. پلاک موصوف به صورت دوسهم سه دانگ از ششدانگ بوده که در تصرف متعهد می باشد دارای امتیاز برق مستقل و فاقد آب و گاز می باشد پلاک مذکور دارای کاربری تجاری با پایانکار به شماره ۳/۷۲۲۹۳ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۴ بوده است. مدارکی دال بر این ارائه نگردید مکان موصوف برابر سند مالکیت فاقد وقف و فاقد سرقفلی می باشد.**

**لذا میزان سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه تجاری نوع ملک طلق با کاربری تجاری به پلاک ثبتی ۷ فرعی از ۲۱۲۴ اصلی بخش ۰۱ به مساحت ۲۳/۱۵ مترمربع به مبلغ ۱۲/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال دوازده میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون ریال با مالکیت آقای سیدبهرام نورمحمدی به پرونده اجرایی کلاسه ۱۴۰۳۰۰۷۴۶ به طلبکاری خانم فاطمه سمیعی از ساعت ۹ الی ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴